

یوهان ولفگانگ فون گوته

تفنن و سرگرمی‌های
مهاجران آلمانی

«گهواره‌ی هنر و روایت و داستان‌های کوتاه آلمانی»
«نخستین کارگاه داستان‌نویسی تاریخ ادبیات مدرن»

سعید پیرمرادی



فهرست

۹.....	نوشتار خانم پروفیسور کاتارینا مُمزن بر ترجمه‌ی فارسی این اثر
۲۷.....	تفتن و سرگرمی‌های مهاجران آلمانی
۵۵.....	آنتونلی آوازخوان
۶۹.....	داستان ضربه‌های اسرارآمیز
۷۵.....	داستان باسومپیر درباره‌ی فروشنده‌ی دل‌ریا
۷۹.....	داستان باسومپیر درباره‌ی روسری
۸۳.....	حقوق دان
۱۰۷.....	فردیناند و اُتلیه
۱۳۱.....	افسانه
۱۶۷.....	توضیحات
۱۶۹.....	تشکر مترجم

در آن برهه‌ی تاریخی ملال‌انگیز که برای آلمان، اروپا و چه بسا سایر نقاط دنیا عواقب بسیار وخیمی در برداشت، آن هنگام که قشون فرانسه در بزنگاه ضعف دفاعی دردناکی به سرزمین پدری ما هجوم آوردند، یک خانواده‌ی اصیل آلمانی همه‌ی داروندار خود را رها و از رودخانه‌ی راین عبور کرد تا به این شکل از مهلکه‌ی خطرناکی بگریزد که گریبان همه‌ی افراد سرشناس را گرفته بود؛ آنان که جنایتی جز این مرتکب نشده بودند که از نیاکان خویش به نیکی و سُروور یاد نموده و به دیده‌ی احترام به آن‌ها می‌نگریستند. افرادی که از امتیازهایی بهره‌مند بودند که هر پدر نیک‌اندیشی آرزو داشت برای فرزندان خود و نسل آتی فراهم آورد.

بارونس فون اس، یک بانوی بیوه‌ی میان‌سال، حتا در گیرودار فرار نیز، همانند اوقاتی که همه در موطن خود به سر می‌بردند، در تسلای خاطر و دلگرمی فرزندان، بستگان و دوستان خویش سعی فراوان داشت و از هیچ تلاشی فروگذار نبود. او که در یک افق تربیتی گسترده پرورش یافته و در گذر ایام آبدیده شده بود، به مصداق زنده‌ی یک مادر نمونه با روحیه‌ی ظریف و نافذ خویش به پیشواز وقایع می‌رفت. بارونس به شدت دلبسته‌ی خدمت به دیگران بود و جمع پُرشمار آشنایانش نیز چنین فرصتی را در اختیارش می‌گذاشت. او اینک مجبور بود به طور غیرمنتظره در کسوت رهبر کاروانی کوچک ظاهر گردد، او قدرت هدایت و مراقبت آن را داشت و قادر بود حتا